

به‌دنبال اکس‌فکتور ایران



نسیم قاضی‌زاده

«اکس‌فکتور»، «امریکن گات‌تلتنت»، «امریکن‌تلتنت» و… همه‌وهمه آنچنان مسابقات معروفی در ده هستند که دیگر به سختی می‌توان تنها نام مسابقه را روی آن گذاشت، آنها از جمله تاپ‌ترین و جذاب‌ترین برنامه‌های دنیا هستند که نه‌تنها هنرمندان برای داوری آنها صف می‌کشند، بلکه تعداد مخاطبان وسیعی که آرزوی ایستادن روی استیج و اجرای برنامه و عرضه کارشان را دارند، برای حضور در چنین تلتنت‌شوهایی سرو دست می‌شکنند، به اینها اضافه کنید شبکه‌های تلویزیونی که قراردادهای آنچنانی می‌بندند و آرزو می‌کنند برنامه‌ای برای جذب تلتنت‌ها داشته باشند، ستاره‌شدن هدف اصلی همه است، همه دست‌به‌دست هم می‌دهند تا این بنگاه‌های ستاره‌سازی در بورس بمانند، حالا در ایران هم سال‌هاست که این مسابقات البته نه با اقبالی مانند شبکه‌های خارجی اما با استقبال متوسط برگزار می‌شود. البته چند مسابقه خوانندگی توسط شبکه‌های فارسی‌زبان برگزار شد که نکته جالب همگی آنها حضور شرکت‌کنندگانی بود که در ایران تربیت شده یا اثر منتشر کرده بودند یا حتی برخی از برندگان آنها بعد از بردن مسابقه و به‌شهرت‌رسیدن برای اخذ مجوز ارشاد اقدام کرده‌اند. ازجمله این خوانندگان می‌توان به «رحمان» و «امیرحسین» اشاره کرد که در سال‌های گذشته توانسته‌اند برای آثارشان مجوز گرفته و آنها را منتشر کنند. مخاطبان اصلی این برنامه هم برای شرکت در نظرسنجی‌ها می‌توانند رای رایگان‌شان را ثبت و هنرمند محبوب‌شان را انتخاب کنند. «هزارصدا»، «صدای ایرانی»، «آوای ایرانی»، «آواز ایرانی»، «تک‌شو»، «لباهنگ»، «نؤنویان»، «برنامه استعدادیابی ایارات» و «جام موسیقی ایران» ازجمله این مسابقات هستند که عموما در تلویزیون پخش شده‌اند. برنامه‌هایی که عموما موفق نبوده‌اند و هیچ‌کدام نتوانسته‌اند واقعا چهره‌ای را به هنر موسیقی ایران معرفی کنند. در واقع به‌نظر می‌رسد این مسابقات در ایران صرفا حرکاتی را برای نمایش فعالیت‌های ارگان‌ها یا اشخاص با اهداف مختلف اعم از تجاری یا غیرتجاری مانند پرکردن کنداکتور یا جدول فعالیت‌های سالانه یا برنامه‌های استعدایابی ایارات» و «جام موسیقی ایران» می‌کنند؛ نمایش‌هایی که بعد از مدتی کوتاه از رمق می‌افتند. ازرق‌افتادنتان‌ها یا به دلیل بازنگشتن سرمایه است و پاپس‌کشیدن اسپانسر یا به دلیل قائم‌بودن به فرد و خستگی‌ها و گرفتاری‌های فردی. از جمله عوامل مهم دیگر این‌ ماجرا هم می‌توان به نداشتن برنامه‌ریزی بلندمدت اشاره کرد که گریبان این مسابقات و شوها را

می‌گیرد. همچنین تغییر سیاست‌های ارگان‌های مختلف که بسته به تغییر مدیران مجموعه‌هاست، از دیگر عوامل مؤثر در این ماجراست.

البته استثنائاتی هم هست، مثلا برنامه «هزارصدا» که چهارسالی است راه افتاده. «هزارصدا» را شاید باید در‌حال‌حاضر قدیمی‌ترین مسابقه استعدادیابی در حوزه موسیقی ایران دانست که آرش نصیری با حضور تعداد بسیار زیادی از استادان موسیقی ایرانی آن را در حوزه موسیقی ایرانی راه‌اندازی کرده است. برنامه‌ای که در آخرین روز تابستان سال ۹۲ کار خود را شروع کرد و الان پس از گذشت چهار سال جایگاه خود را میان فعالان و مخاطبان موسیقی پیدا کرده است. این برنامه تفاوت‌های مهمی با مسابقات مرسوم استعدادیابی دارد. مهم‌ترین نکته این است که هر هزارصدا هیچ‌کسی حق کاورکردن یک آهنگ دیگر را ندارد و خواننده‌ها باید قطعاتی که متعلق به خودشان است را بخوانند. همین موضوع باعث شده مقوله شکل‌گیری کاراکتر مستقل و عدم تقلید بیشتر به چشم بیاید. آرش نصیری، بنیان‌گذار و ایده‌پرداز و مجری این برنامه که از ترانه‌سراها و روزنامه‌نگاران باسابقه عرصه موسیقی است، درباره آن می‌گوید: اوایل دهه ۸۰ انجمن ترانه‌سرایان راه افتاد و من هم از اولین نفراتی بودم که در آن جلسات شرکت می‌کردم. آن زمان ترانه هم می‌گفتم و علیرضا عصار، آرتین شاهوران، حمید اصغری و چند نفر دیگر از خوانندگان ترانه‌هایم را اجرا کرده بودند. آن موقع من هم روزنامه‌نگار هنری و به‌ویژه روزنامه‌نگار حوزه موسیقی بودم، هم ترانه کار می‌کردم. همچنین در زمینه داستان و به‌ویژه داستان‌های مینی‌مالیستی نیز فعالیت داشتم. بعدتر بنا بر دلایلی سرودن ترانه را رها کردم و بیشتر تمرکزم را روی کار روزنامه‌نگاری گذاشتم. ایده‌ام هم این بود که اگر در کاری رشد کنم بهتر از این است که در چند کار متوسط باشم. سال ۸۹ عضو شورای سردبیری مجله‌های زندگی ایرانی خلاقیت بودم و حدود سال ۹۰ سردبیر مجله «ترانه ماه» شدم که مجله‌ای در حوزه موسیقی به‌خصوص موسیقی پاپ بود. همان زمان به این موضوع فکر کردم که جلسه‌ای برای بررسی کل یک اثر موسیقی را بی‌بندازم. جلسات ترانه چندی‌سالی راه افتاده بود و در آن سال‌ها این جلسات فراوان بودند. این جلسات در جای خودشان مفید بودند و هستند اما نظر من این بود که تحلیل ترانه، قبل از اینکه موسیقی روی آن بیاید و قبل از اینکه خوانده شود، چندان راه‌گشا نیست. یعنی اساسا ترانه تا زمانی که با موسیقی همراه نشود، قابل بررسی دقیق نیست. به‌همین دلیل حسن کردم جای برنامه‌ای که در آن ترانه و خوانندگی و موسیقی و تنظیم هم‌زمان بررسی شود، خالی است. به فرهنگ‌سرای ارسباران درخواست دادم و بعد از چندین ماه رفت‌وآمد و بررسی لازم، اولین برنامه ۳۱ شهریور سال ۹۲ برگزار شد.»

حالا به‌تازگی خبر رسیده است که محسن رجب‌پور هم تصمیم دارد مسابقه



استعدادیابی راه‌اندازی کند. او درباره فعالیت‌های این روزهای خود و شرکتش می‌گوید: «شرکت ترانه شرقی هماهنگی‌های لازم را برای برگزاری اولین دوره استعدادیابی در عرصه موسیقی در ایران (Iranian Music Talents) انجام داده است». این دوره استعدادیابی موسیقی ایران، «یادواره نیما وارسته» نام‌گذاری شده و رجب‌پور درباره انتخاب این عنوان می‌گوید: «نیما جزء معدود هنرمندانی بود که بین ما نیست و عضو مهمی در حوزه پروداکشن (تهیه و تولید) موسیقی پاپ ایران بوده است. فرایند برگزاری این دوره استعدادیابی از انتشار قطعات چهره‌های جدید ترانه شرقی آغاز خواهد شد: «ما کارمان را از ۱۵ اسفند آغاز می‌کنیم. در بهار ۹۵ فرایند جذب استعداد‌های جدید در همه حوزه‌های موسیقی پاپ از جمله اجرا، آهنگ‌سازی، ترانه‌سرایی، تنظیم، نوازندگی و… آغاز می‌شود. وب‌سایت این دوره آماده شده و به زودی از آن رونمایی می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در حوزه‌های مختلف ثبت‌نام کنند. با همین پیشنهاد، پس از چند سال، پنج اثر جدید از شرکت ترانه شرقی منتشر خواهد شد که این آثار از پنج هنرمند جدید تا ۱۵ اسفند منتشر می‌شود و این شروعی است برای کارهای آینده ترانه شرقی. این چهره‌ها، هرکدام یک آلبوم آماده دارند که ما در این مقطع، آلبوم‌هایشان را منتشر نمی‌کنیم. از ۱۵ اسفند ۹۴ تا پایان تابستان ۹۵ از هر یک از این هنرمندان بیش از ۱۰ قطعه منتشر خواهیم کرد.»

او در بخش دیگری از گفت‌وگویش با سایت موسیقی‌سا درباره این مسابقه هم درباره تفاوتش با برنامه‌های ماهواره‌ای گفته: «این قطعات را منتشر می‌کنیم تا نشان بدهیم این مرکز استعدادیابی که تحت لوگوی ترانه شرقی فعالیت خواهد کرد، دنبال هنرمندانی است که برخلاف مسابقات تلویزیونی ماهواره‌ای مقلد کسی نیستند. من معتقدم بزرگ‌ترین نقض این برنامه‌ها در تمام سال‌های گشته این است که تلاش می‌کنند حتی کسی را که فقط پتانسیل خواندن دارد، شبیه کس دیگری نمایش دهند. از طرفی بحث تجاری این مسابقات بر بحث هنری آنها می‌چربد. پشت پرده‌های آن چنانی هم داشته‌اند که به آنها کاری نداریم. ضمنا هیچ فکر کرده‌اید در تمام این سال‌ها، چند هنرمند از این مسابقات به عرصه حرفه‌ای موسیقی راه پیدا کرده‌اند؟»

کارنامه محسن رجب‌پور در این سال‌ها کارنامه‌ای موفق بوده است؛ کارنامه‌ای که خروجی آن هنرمندان پرطرفداری مثل بنیامین بهادری یا حامد همایون بوده‌اند. حالا باید نشست و منتظر ماند و دید آیا این مسابقه هم مانند اکثر کارهای رجب‌پور که همیشه درصد بالایی از نوآوری و البته کلاس ویژه خودشان را دارند، هست یا خیر؟ اما آنچه پروضاح است این است که طبیعتا نبودن محدودیت‌های صداوسما خودش می‌تواند هم به حضور چهره‌ها و هم به سطح برگزاری با موانع کمتر کمک شایانی کند.

دموکراسی و مسابقه استعدادیابی



ادیب وحدانی

دنیا دموکراسی/ مدرن ترجیح می‌دهد به‌جای نفرهای ضعیف ناتوان محروم‌شده از ممکنات و احتمال‌های رشد، دماهایی را بسازد که ریشه‌های کاراکتری و به‌بلوغ‌رسیدن فردیت‌ها موجب شود قدری کمتر غریزی/ حیوانی برخورد کنند. یعنی، این فرض درست که افراد باید مطالعه کنند (تا ذهن‌هایشان قوی شود) و ورزش کنند (تا بدن‌هایشان قوی شود) در کنار خود دوتا پیش‌فرض لازم دیگر هم دارد که یکی‌اش این است که فرد باید یک سرگرمی عمیق داشته باشد و دیگر اینکه او باید با یک هنر آشنا شود. به‌نظم آنهایی که چهارگانه بالا را طراحی کرده‌اند خیلی حساب‌شده و سنجیده به‌موضوع فرد در جامعه نگاه کردند، یعنی قبل از اینکه برای مثال اینستاگرام اختراع و بیماری‌ای به اسم سلفیفتیس ایجاد شود که نفرهایی بخوانند یا عکس‌گذاشتن جلب توجه کنند، مهندس‌های اجتماعی نشسته‌اند به سبک‌وسنگین‌کردن این واقعیت که بشر نیاز به خوندنهایی دارد و دانسته‌اند که این ویژگی اصل و اساس تکاملی دارد و به‌هیچ وجه قابل انکار یا سرکوب واقعی نیست. این خوندنهایی را که از دوره اخوی حاتم طایی مذموم و مضر بوده را گذاشته‌اند در خدمت پرورش فردی، یعنی چه؟ یعنی واقعیت را نگاه کرده‌اند که از جامعه نمی‌شود توقع داشت که هر فردی انسان کامل شود، اما می‌توان به افراد یاد داد که متمدنانه رفتار کنند، ادای متمدن‌ها را دربرآورند. این فرمول هم که حتمی و قطعی است که هر موفقیتی، هر اتفاق فراگیر اجتماعی الزاما منوط به پشتیبانی‌شدن آن اتفاق به وسیله یک گزینه است. با این حساب، گزینه خوندنهایی را گذاشتند پشت وانمودکردن به تمدن. شما در دنیا متمدن این امکان را دارید که در هنر، علم، فرهنگ و ورزش خوندنهایی کنید و به این روش برای اجتماع‌تان و حتی برای خودتان آدم مفیدتری

موسیقی

روی خط سل

برداشت جدیدی از موسیقی ایرانی و آذری

فرامرز گرمردی، آهنگ‌ساز، نوازنده، خواننده و پژوهشگر برجسته موسیقی «موغام» در تازه‌ترین کنسرت خود در کشور جمهوری آذربایجان، دستگاه «راست» در ردیف موسیقی ایرانی و «موغومات» جمهوری آذربایجان را با برداشتی جدید اجرا می‌کند. دامون شش‌بلوکی، پژوهشگر موسیقی نواحی- در گفت‌وگو با ایسنا، درباره این کنسرت بیان کرد: این کنسرت که تطبیق موسیقی ردیفی ایران و موغامات آذربایجان است، روز چهارشنبه، ۱۰ آبان با گروه «دلنوازان» در سالن حیدر علی‌اف آذربایجان به صحنه می‌رود. او ادامه داد: در این کنسرت احترام حسین‌اف، آیگون بایرام‌اوا، نازکت تیمور‌اوا و گولگونار محمداف که نشان خالق آرتیستی، یکی از بزرگ‌ترین نشان‌های هنری و معتبر موسیقی آذربایجان در دنیا را دارند، نیز فرامرز گرمردی را همراهی خواهند کرد. این پژوهشگر موسیقی گفت: الشن منصور‌اف، شیرزاد فتحعلی‌اف، کامران کریم‌اف و علی‌آقا سعدی‌اف با آواز و نوازندگی عود، از جمله هنرمندانی هستند که فرامرز گرمردی و گروه دلنوازان را در این کنسرت همراهی می‌کنند. همچنین گرمردی قطعاتی را که در دستگاه راست ساخته است، در این کنسرت اجرا می‌کند. شش‌بلوکی اظهار کرد: سمفونی زمستان که برگرفته از شعر «زمستان» مهدی اخوان‌ثالث است، از سوی گرمردی آهنگ‌سازی و ضبط شده که ارکستر بزرگ سمفونی آذربایجان آن را اجرا کرده است. این قطعه به زودی با حضور استادان برجسته موسیقی آذربایجان در ایران رونمایی می‌شود. این پژوهشگر موسیقی از ساخت مستند موسیقایی ۴۵ دقیقه‌ای در باکو خبر داد و گفت: موضوع این مستند دستگاه چهارگاه موسیقی است که با گوشه‌های مشترک موسیقی ایران و آذربایجان تطبیق داده شده، ساخت این مستند بعد از کنسرت فرامرز گرمردی در باکو، به کارگردانی دامون شش‌بلوکی و تهیه‌کنندگی برنامه موغام و معنویت کلید می‌خورد.

اجرای آثار آهنگ‌سازان نوجوان ایرانی

گروه هنر؛ فستیوال موسیقی NYT و دانشگاه کپنهاگ آذر امسال میزبان آهنگ‌سازان نوجوان ایرانی و دانمارکی خواهد بود. گروهی از آهنگ‌سازان نوجوان ایرانی به دانمارک خواهند رفت تا چهارم و ششم آذر در فستیوال موسیقی NYT و دانشگاه کپنهاگ به مدیریت پروفیسور مونز-کرسنسن و دکتر امیرمهیار تفرشی‌پور آثارشان به اجرا درآید. آهنگ‌سازان نوجوان ایرانی پس از یک تلاش چندماهه، موفق به ساخت اثری برای سه‌نوازی سنتور، ویولن‌سل و پیانو شده‌اند. این مجموعه آثار بر اساس افسانه بیژن و منیژه از شاهنامه ساخته شده است که در این جشنواره اجرا، ضبط و در قالب آلبوم صوتی منتشر خواهند شد. همچنین در این فستیوال به سفارش انجمن موسیقی بیرکرو، قطعاتی از مونز کرسنسن، آهنگ‌ساز دانمارکی، برن هانشکه، آهنگ‌ساز آلمانی و امیرمهیار تفرشی‌پور، آهنگ‌ساز ایرانی، به اجرا درخواهد آمد. نوازندگی سنتور این قطعات را مسیح افقه بر عهده خواهد داشت. این پروژه با همکاری آموزشگاه موسیقی ریشه در خاک، سفارت دانمارک در ایران و انجمن موسیقی معاصر بیرکرو برگزار می‌شود.

اخیرا شنیدم قرار است یک حرکت جدید در رقابت با هزارصدا راه بیفتد که دلیل جاپ همین صفحه ویژه در روزنامه هم هست، من اهمیت اصلی کار آرش نصیری را در عدم تکیه‌اش بر سلبریتی‌ها می‌دانم و در مهم‌ترین کار ممکن یک فرد در جامعه امروز ایران: نهاده‌سازی. هزارصدا یک نهاد بی‌ادعای دموکراتیک است، اما با توجه به گذشتۀ رقیب آینده هزارصدا استنتاج می‌کنم فردی که می‌توانست با یک موقعیت بی‌نظیر که در آن قرار گرفت از محبوبیت بی‌منطق و بی‌دلیل آریان استفاده و کارهایی به‌باماندنی را کند، با نخواست با نتوانست اسم شرکتش را از آریان یا حتی از اسم خودش بزرگ‌تر کند. رجب‌پور پشتکار دارد، همت می‌کند، زحمت می‌کشد، برنامه می‌ریزد و اجرا می‌کند و دور از ذهن نمی‌دانم در همین قضیه مسابقه استعدادیابی‌اش موفقیت اقتصادی پیدا کند و از تەدل آرزو دارم چنین شود، اما کرما و نرمی هزارصدا مابه‌ازای درون دوست‌داشتنی بنیان‌گذارش است و قابل تکرار نیست اما قابل تقلید است و تقلید از این همه زیبایی، قابل تقدیر.



مضارب

دنبال ستاره‌سازی ورؤیابافی نبودم



آرش نصیری

مدیر و مجری برنامه هزار صدا

اوایل تابستان (شاید هم اواخر بهار) سال ۱۳۹۲، وقتی طرح یک مسابقه موسیقی را به فرهنگ‌سرای ارسباران ارائه می‌دادم، در نظرم بود قطعا آنچه که می‌خواهد اتفاق بیفتد نباید شبیه به آکادمی خاصی باشد که آن روزها در آن طرف آب‌ها برگزار می‌شد. دلیل اصلی و اولش آن بود که اساسا دنبال انجام کار تکراری نبودم و دلیل دوم (که آن هم می‌توانست اصلی و شاید اصلی‌تر از اولی باشد) هم آن بود که می‌دانستم، برگزاری چنین برنامه‌ای در داخل ایران ممکن نیست. بعد عرض می‌کنم.

طرح برنامه را دادم و جدای از عزم جدی‌ام، برنامه با مساعدت دو دوست عزیزِی که من به اعتماد داشتند میسر شد: مدیر وقت فرهنگ‌سرای ارسباران؛ روزنامه‌نگار مهربان و شاعر، مرتضی توکلی و هنرمند گرامی، شهرام صارمی و مسلم است که اگر این دوستی و اعتماد نبود، شاید این اتفاق نمی‌افتاد و حالا این برنامه، چهارسالگی‌اش را از سر نمی‌گذراند.

پنده از چندین‌سال قبل از سالی که این برنامه را اجرا کردم، روزنامه‌نگار حوزه موسیقی نبودم و از اوایل دهه ۸۰ که انجمن ترانه‌سرایان به همت دوستان عزیزم راه‌اندازی شد، جزء شرکت‌کنندگان اولیه و اصلی آن برنامه‌ها بودم. این جلسات ترانه چند سال بعد فراگیر شد و هرچه این جلسات بیشتر می‌شد، جای خالی برنامه‌ای که در آن، به‌جای نقد ترانه، کل اثری که آن ترانه در آن خوانده می‌شود نقد و بررسی شود احساس می‌شد. در مقطع خاص شروع این برنامه، بنده سردبیر یک مجله در حوزه موسیقی پاپ هم بودم و با توجه به ارتباطم با آهنگ‌سازان، خوانندگان و ترانه‌سرایان، برنامه هزارصدا را طراحی کردم تا کل یک اثر موسیقی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. نگاه هم اصلا به برنامه‌های آن‌طرف نبود، چراکه در برنامه هزارصدا، خوانندگان آثاری از خودشان را اجرا می‌کنند، نه‌آنکه آثار خوانندگان دیگر را تقلید کنند. نکته سخت‌خاری دیگر برنامه هزارصدا هم این بود که در هر برنامه کارشناسان این تغییر می‌کردند و این تصمیم را هم به این دلیل گرفتم که مخاطبان برنامه با نظرات همه آهنگ‌سازان، خوانندگان و ترانه‌سرایان فعال در حوزه موسیقی آشنا شوند. هزارصدای سنتی هم از بهار سال ۱۳۹۳ آغاز شد. البته این برنامه بر پایه اجرای زنده طراحی شد و به مرور تغییراتی کرد که نمی‌خواهم طولانی شود و اجازه بدهید که در شرح ساختار و شکل برنامه به همین بسنده کنم و سرتان را درد نیاورم.

گفتم که در هزارصدا خوانندگان آثار خودشان را می‌خوانند، اما این به آن معنا نیست که نمی‌دانستم و نمی‌دانم، مردم دوست دارند آثاری را بشنوند که با آن خاطره دارند. در اغلب قریب‌به‌اتفاق تلتنت‌های خارجی و داخلی موسیقی، ستاره‌سازی بر اساس و محور ستاره‌های موجود موسیقی طراحی می‌شود و وجه نمایشی این برنامه‌ها بیشتر از هر چیزی مدنظر است، چراکه آن برنامه‌ها برای تلویزیون طراحی می‌شوند و تلویزیون هم اساس یک رسانه مردم‌محور (نمی‌خواهم بگویم پوپولیستی) است. هزارصدا اگر قرار بود تلویزیونی شود (که ممکن است در آینده نزدیک بشود)، حتما باید طور دیگری طراحی می‌شد، اما من اساسا همیشه به امکان انجام یک کار فکر می‌کنم، نه رؤیاهایم که در سر دارم.

تقریبا یک سال بعد از هزارصدا، دوست عزیزم، هادی دمیرچی که از پیگیری‌کنندگان برنامه هزارصدا و مشوقان من بود، برنامه تلویزیونی «شب‌کوک» را راه‌اندازی کرد که مدلش بر اساس تلتنت‌های دیگر بود و البته بدون امکانات و آزادی‌های آنها و معلوم بود که نمی‌شود با برنامه‌های آن‌طرف (حتی تلتنت‌های شبکه‌های فارسی‌زبان) مقایسه شود. در این فاصله زمانی برنامه‌های تلویزیونی و غیرتلویزیونی دیگری با رؤیاهای بزرگ طراحی و حتی ضبط شدند، اما هیچ‌کاه نه در تلویزیون و نه در شبکه خانگی پخش نشدند. دوستان زیادی را سراغ دارم که هم‌اکنون مشغول ضبط برنامه‌های تلتنت هستند و در خیلی‌هایشان هم، چه به‌عنوان مشاور و چه به‌عنوان همکار دعوت شده‌ام، اما نپذیرفته‌ام. مهم‌ترین دلیل این عدم همکاری همان است که گفته‌ام: نمی‌خواهم رؤیابافی کنم. ***

همان‌طوری که همه می‌دانند و پیش‌تر هم عرض کردم، همه این برنامه‌های تلتنت بر اساس ستاره‌سازی طراحی می‌شوند و در کشور ما ستاره‌سازی، بیرون از علاقه‌مندی سیاست‌گذاران فرهنگی ممکن نیست، مخصوصا که موضوع اصلی این ستاره‌سازی در حوزه موسیقی باشد. درحالی‌که هنوز ماهیت موسیقی هم کاملا پذیرفته نشده و هرروز درگیر شکل برگزاری کنسرت‌های قانونی و مجوزدار هستیم، چگونه می‌توانیم فکر کنیم که برنامه‌هایی در سطح وسیع و بزرگ طراحی و اجرا شوند و موضوع موسیقی را فراگیر کنند؟ اینها اعتقادات من نیست. واقعیت‌هایی است که وجود دارد و‌گرنه کیست که نداند موسیقی اگر از راه قانونی و کنترل‌شده در مسیرهای موردنظر تولید نشود، در مسیرهای زیرزمینی و به شکلی ناهنجار تولید و فراگیر می‌شود. بارها این را تجربه کرده‌ایم و ناپودی گوش و سلیقه شنیداری مردم در اثر همین سیاست‌های اشتباه است.

به نظر بنده همه ما در این زمینه به فرهنگ‌سازی احتیاج داریم. همه ما: موزیسین‌ها، منتقدان و روزنامه‌نگاران، علاقه‌مندان موسیقی و بالاخص مدیران فرهنگی که در مورد این برنامه‌ها تصمیمات عجولانه و احساسی می‌گیرند. فراگیرشدن فضای رسانه‌ای موسیقی، ستاره‌سازی و… نیازمند ایجاد بسترهای لازم است و این بستر قطعا حالا فراهم نیست. قبل از توقع رسانه‌ای‌شدن و پخش برنامه‌های بزرگ و وسیع در زمینه موسیقی، باید موانع موجود روبه‌روی توقعات کوچک‌تر را برداریم. من که اولین برنامه مسابقه موسیقی را راه‌اندازی کرده و از چهارسالگی عبور داده‌ام، سعی کردم از حواشی و رؤیاهای نشدنی دست بردارم و بدون توقع آنچنانی، شلوغ‌بازی و سروصدا، برنامه‌ای را مدیریت و اجرا کنم که هدفش نقد موسیقی و نشان‌دادن برنامه‌ای برای انجام کار بهتر است، نه ستاره‌سازی به معنای گسترده آن. نه‌اینکه رؤیایش را نداشته باشم؛ عادت ندارم دنبال کار نشدنِ بروم. می‌توانستم اسپانسر بگیرم و شلوغ‌ش کنم، اما نکردم، چون می‌دانستم در این صورت در همان سال اول تعطیل می‌شد. قانع بودم و هستم و خوشحالم که هزارصدا به‌قدر ذره‌ای در این زمینه مؤثر بوده و لازم است یک‌بار دیگر از شهرام صارمی و مرتضی توکلی عزیز تشکر کنم که اگر نبودند، به‌دین نهال کوچک، همان موقع کم می‌شد.